گزارش تخصصی آموزگار اول ابتدایی :

کاهش بیش از حد وابستگی یکی از دانش آموزان به مادرش با روش های مناسب

فهرست مطالب

[چکیده :](#page4) [4](#page4)

[مقدمه: (بیان مساله و سایقه موضوع )](#page5) [5](#page5)

[ارزیابی از وضع موجود :](#page6) 6

[اهداف گزارش :](#page7) [7](#page7)

[هدف اختصاصی :](#page7) [..](#page7)7

[اهداف جزئی :](#page7) [7](#page7)

[سواﻻت پژوهش](#page7) [7](#page7)

[مقایسه با شاخص :](#page7) [7](#page7)

[جمع آوری اطلاعات :](#page7) [7](#page7)

[-1مشاهده رفتار دانش آموز در کلاس](#page8) [8](#page8)

[-2مصاحبه با مدیر و سایر همکاران مدرسه](#page8) [8](#page8)

[-3مصاحبه با مادر زهرا](#page8) [8](#page8)

[تجزیه وتحلیل و گردآوری اطلاعات](#page9) 9

[ارائه راهکارموقتی](#page9) 9

[دﻻیل انتخاب راه حل](#page10) [10](#page10)

[موانع ترس دانش اموزان مدرسه در پایه اول](#page10) [10](#page10)

[راه حل ها](#page11) [11](#page11)

[\* کم کردن وابستگی زهرا:](#page11) [11](#page11)

[\* ایجاد آمادگی ذهنی در زهرا :](#page11) [11](#page11)

[ایجاد انگیزه:](#page11) [11](#page11)

[اجرای راهکارها](#page12) [12](#page12)

[ارزیابی بعد از اجرای راه حل](#page13) [13](#page13)

[ارزشیابی تأثیراقدام جدید وتعیین اعتبارآن](#page13) [13](#page13)

[آنچه والدین باید بدانند](#page15) [15](#page15)

[پیشنهادات:](#page18) [18](#page18)

[محیط و فضای آموزشی](#page20) [20](#page20)

[- 1 نزدیک بودن فاصله خانه و مدرسه](#page20) [20](#page20)

[-2 وسعت زمین، بنا و امکانات](#page21) [21](#page21)

[-3 رعایت آزادی های فردی](#page21) [21](#page21)

[-4 ایجاد تعلق خاطر به مدرسه و اجزاء آن و پرورش حس خویشاوندی](#page22) [22](#page22)

[-5 نیاز واقعی به دستشویی یا مفری برای غلبه فشارهای روحی](#page23) [23](#page23)

[نظام آموزشی](#page24) [24](#page24)

[نقاط قوت :](#page25) [25](#page25)

[نتیجه گیری وگزارش نهایی:](#page26) [26](#page26)

[راهکارهایی برای حل مشکل مشابه درخانواده ها](#page26) [26](#page26)

[فهرست منابع](#page26) [26](#page26)

چکیده :

با فرا رسیدن سال نو تحصیلی ،نگرانی های خانواده هایی که دانش آموزان کلاس اولی دارند شروع می شود

. یکی از این نگرانی ها ترس از مدرسه می باشد . البته در این دوره با وجود کلاس های زیادی که کودکان قبل از شروع مدرسه می روند تقریبا مشکلی ندارند ، اما باز هم بسیاری از آنها در روز های آغازین با مشکل مواجه می شوند . بسیاری از کودکان هنگام جدا شدن از والدین ناراحت می شوند، به خصوص در خانواده هایی که مراقبت های غیرمنطقی از کودک صورت می گیرد. اما برخی از کودکان اضطراب بسیار شدیدی را موقع جدا شدن از مادرشان نشان می دهند. در موارد بسیار شدید کودک حتی در اتاق مادر را تعقیب می کند، این مشکل موقعی در کودک در مدرسه می رود، آشکار می شود.حدود 3 و نیم درصد کودکان به این ناراحتی مبتلا می شوند و در دخترها و طبقه مرفه بیشتر است. به این رفتارها اضطراب جدایی می گویند .

اگر والدین کودک را در محیط مدرسه رها کنند اضطراب کودک بیشتر میشود پس باید با ملایمت، ملاطفت و نرمی با کودک ارتباط برقرارکرد و با حرف زدن با کودک به کاهش اضطرابش کمک کرد.

اضطراب در برخی کودکان در آغاز سال تحصیلی طبیعی است به خصوص برای کودکانی که وارد دوره پیش دبستانی یا کلاس اول میشوند.این دسته از کودکان چون از محیط خانه وارد محیط دیگری میشوند. با افراد جدید مواجهه میشوند و محیط جدیدی را تجربه میکنند و از سوی دیگر آزادی هایی را که در محیط خانه داشتند در مدرسه ندارند دچار اضطراب میشوند.کودکان در ورود به مدرسه در زمان استراحت، نوع تغذیه و زمان بازی خود دچار تغییر شده و طبیعی است که دچار اضطراب شوند.

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
|  |  |  | اینجانب........ | پایه اول ابتدایی مدت ..... | سال است که در آموزش و پرورش در | حال |  |  |
|  |  |  | خدمت هستم و هم اکنون در کلاسم به 25 نفر | دانش آموز در حال آموزش هستم. در سال تحصیلی |  |  |  |
|  |  |  |  |  |  |  |  |  |
|  |  |  |  |  |  |  |  |  |
|  |  |  |  |  |  |  |  |  |

94-95با روبرو شدن با دانش آموزی به نام زهرا که وابستگی بسیار شدیدی به مادرش داشت تصمیم گرفتم در پژوهش و گزارش تخصصی خود بر روی این مسئله کار کنم.

مقدمه: (بیان مساله و سایقه موضوع )

مهمترین مسئله در ورود کودکان به مدرسه جدا شدن از والدین به خصوص مادر است و چون کودک چند سال به طور طبیعی در کنار مادر بوده است جدا شدن از مادر برایش سخت است.البته اکثریت کودکان در مدت کوتاهی با محیط جدید هماهنگ شده و میتوانند خود را سازگار کنند.

البته بعضی از کودکان جدای از اضطراب آغاز سال تحصیلی زمینه اضطراب را دارند ، این دسته از کودکان به زمان بیشتری برای آمادگی نیازمندند و بی توجهی به ین مسئله برای خانوادهها و اولیای مدرسه مشکل آفرین خواهد شد.برای کم شدن اضطراب این دسته از کودکان باید از قبل با کودک صحبت کرد و محیط جدید را به طور عملی به او توضیح داد؛ بدین ترتیب که با هماهنگی اولیای مدرسه قبل از شروع رسمی مدرسه، کودک وارد محیط مدرسه شود کلاس، حیاط، سرویس بهداشتی، سالن غذاخوری و ... را ببیند و با معلم و همکلاسی هایش آشنا شود.اگر این آشنایی در محیط غیردرسی و قبل از آغاز سال تحصیلی انجام گیرد در کاهش اضطراب کودک در زمان مدرسه مؤثر خواهد بود.از طرفی نباید اجازه داد که کودک در خانه بماند و به مدرسه نرود بلکه باید والدین حتی اگر لازم بود دقایقی در کنار کودک در مدرسه باقی بمانند و به تدریج محیط را ترک کنند تا کودک آمادگی لازم را پیدا کند.

مدرسه و اولیای مدرسه نقش مهمی در جذب و آرامش کودک دارند و میتوانند کودک را با روشهای درست از حالت غریبه و بیگانه خارج کرده و در کاهش اضطراب و آشنایی کودک با محیط جدید مؤثر باشند.من در اوایل سال تحصیلی این وابستگی را در یکی از دانش آموزان اول ابتدایی به مادرس دیدم وخیلی دوست داشتم به او کمک کنم واین وابستگی این دانش آموز را بهبود بخشم و بخاطر همین جریان ها بود که من از میان مشکلات مدرسه این مشکل را برای فعالیت تحقیق عنوان پژوهی انتخاب نمایم.

ارزیابی از وضع موجود :

اینجانب...................... آموزگار پایه اول ابتدایی در هفته اول تحصیلی که مصادف با روزهای اول ماه مهر بود واقعه ای را مشاهده کردم که برای اینجانب خیلی جالب بود و آن وابستگی شدید دانش آموزان کلاس اول به مادرانشان بود در چنین روزهایی که دانش آموزان کلاس اول اولین روزهای تحصیلی زندگی خود را آغاز می کنند بیشتر دانش آموزان با توجه به واقعه که در بالا ذکر شده به همراه اولیای خود می آمدند بعد از مدتی که صدای زنگ به صدا درمی آمد ومعاونین دانش آموزان را به خصوص کلاس های اول را به صف های خود راهنمایی می کردند در این هنگام موضوعی که فکر اینجانب را خیلی در گیر کرده بود به طور واضح مشاهده کردم واین مشاهده این چنین بود که بعضی از دانش آموزان با رسیدن نوبت به صف کلاس آنها به طرف اولیای خود فرار کردند وبعضی از دانش آموزان اول با ترس معاونین با نق زدن اولیای خود را صدا می زدند واصرار می کردند که همراه آن ها به کلاس بروند. شاخص ترین مورد در بین آن ها دانش آموزی به نام زهرا بود که وابستگی اش به مادرش از همه دانش آموزان بیشتر بود که در هیچ صورتی راضی به ترک مادرش و رفتن به کلاس نمی شد.

در بین دانش اموزان دانش آموز یبه نام زهرا ازابتدای سال گاهی به بهانه های مختلف ازرفتن به مدرسه سربازمی زد وازاویل آبان ماه این بهانه ها بیشترشد،به خصوص اینکه به مادرش بسیار وابسته بود . رفتن به مدرسه به صورت کابوسی برای او واهل خانواده بود ودرصورت رفتن هم ،کلاس را رهاکرده وبه خانه بر می گشت.من وخانواده او وهمه ی عوامل مدرسه درپی راهکاری بودیم که این مشکل حل شود.

اهداف گزارش :

هدف اختصاصی :

چگونه می توانم وابستگی بیش از اندازه دانش آموز کلاس اول را به مادرش کاهش دهم

اهداف جزئی :

- 1 پیدا کردن علل و عوامل وابستگی بیش از حد دانش آموز به مادرش - 2 پیدا کردن راه هایی برای کاهش وابستگی دانش آموز به مادرش

- 3 ارائه پیشنهادات و تعمیم به سایر دانش آموزان کلاس اول وابسته به والدین

سوالات پژوهش

آیا این وابستگی ناشی از تعلق اولیا به کودکان است ؟ آیا این وابستگی ناشی از تعلیم ندادن مهارت اجتماعی دانش آموزان توسط اولیا است ؟ آیا این وابستگی ناشی از از تحصیل نکردن دانش آموزان در دوره های مهد کودک وپیش دبستانی ؟ آیا این وابستگی ناشی از برخورد نادرست معاونین مدرسه با دانش آموزان می باشد؟

مقایسه با شاخص :

در مقایسه با شاخص این دانش آموز باید براحتی و بدون نگرانی از جدایی از مادر در کلاس حاضر می شد .

جمع آوری اطلاعات :

بنده ابتدا به جمع اوری اطلاعاتی راجع به این موضوع پرداختم :

-1مشاهده رفتار دانش آموز در کلاس

در مشاهده رفتار زهرا در کلاس متوجه شدم او دانش آموز بسیار آرام و کم حرفی است.بسیار به ندرت در کلاس با من و سایر هم کلاسی هایش صحبت می کند.بیشتر اوقات در کلاس سرش را پایین انداخته و در بحث های گروهی و کلاسی و پرسش و پاسخ در کلاس هیچ زمانی داوطلب نیست و در بعضی اوقات هم در حال گریه کردن است. همیشه با مادرش به مدرسه می آید و در هنگام آمدن به کلاس و رفتن مادرش همیشه نگران است.

-2مصاحبه با مدیر و سایر همکاران مدرسه

در صحبتی که با مدیر مدرسه راجع به زهرا داشتم،ایشان نیز به این موضوع اشاره کردند که زهرا نمی تواند با سایر دانش آموزان ارتباط موثر و خوبی داشته باشد.بیشتر اوقات زنگ تفریح در حیاط فقط با یکی از هم کلاسی هایش دیده می شود.زمانی که با او کاری دارم واز او می خواهم به دفتر مدرسه مراجعه کند،پشت در دفتر ایستاده و جرات وارد شدن به داخل را ندارد.در صحبتی که با چند همکار دیگر داشتم آنها نیز اشاره کردند زهرا بسیار آرام و ساکت است .و همیشه به مادرش وابسته است.

-3مصاحبه با مادر زهرا

در تماس تلفنی از مادر زهرا خواستم به مدرسه مراجعه کند تا با وی صحبتی داشته باشم.بعد از مطرح کردن مشکل زهرا در کلاس و مدرسه از مادرش خواستم تا کمی راجع به رفتار زهرا در منزل و نحوه برقراری ارتباط او با سایر اعضای خانواده و فامیل صحبت کند.

طبق گفته های مادرش زهرا در منزل نیز دختری بسیار آرام بوده ،خیلی کم با پدر و مادرش صحبت می کند و مسائل و مشکلاتش را به ندرت در منزل مطرح می کند.در مهمانی های خانوادگی اغلب شرکت نکرده و یا در صورت شرکت بسیار آرام و ساکت نشسته و با کسی صحبت نمی کند.در هنگام حضور مهمان در منزل نیز بیشتر وقت را در اتاق خود گذرانده و از حضور در جمع مهمان ها خودداری می کند. البته قابل

ذکر است که مادر زهرا این نکته را به عنوان حسن رفتار زهرا و نشان دهنده حجب و حیای وی مطرح کرد و از این مسئله بسیار خوشحال بود.مادر زهرا به این نکته نیز اشاره کرد که خودش بسیار کم و مختصر صحبت می کند و اهل زیاده گویی و توضیح بیش از حد نیست و پدر زهرا برای امرار معاش خانواده بیشتر وقت خود را در خارج از منزل سپری کرده و در ساعات فراغت از کار بیشتر استراحت کرده و بسیار کم با فرزندانش صحبت کرده و با آنها ارتباط برقرار می کند.

مادر زهرا چنین عنوان می کرد که زهرا از بدو تولد از او جدا نشده و همیشه او با زهرا بوده است . همچنین از صحبت هایی که شد به این نتیجه رسیدیم که مادر زهرا نیز به شدت به زهرا وابسته است.

تجزیه وتحلیل و گردآوری اطلاعات

باتوجه به اطلاعات جمع آوری شده در رابطه با علل وابستگی و مشاهده رفتار زهرا در کلاس و مصاحبه ای که با مادر زهرا داشتم متوجه شدم از مهم ترین دلایل وابستگی زهرا و عدم علاقه به ماندن در کلاس می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- نحوه تربیت والدین که ماندن همیشگی و جدانشدن حتی چند ساعت از والدین را برای دختر یک حسن تلقی کرده و نشان دهنده حجب و حیای وی می دانند.

-عدم ارتباط صمیمی و دوستانه پدر با فرزندان در منزل و آگاه نبودن از مسایل و مشکلات روزمره آنان.

-عدم ارتباط زهرا با همکلاسی هایش

ارائه راهکارموقتی

-1 برای تشویق اوبرای ماندن درمدرسه ،جوایزی درقبال پیشرفت تحصیلی( ولوبه مقدارکم )درحضوردانش آموزان به اوداده شود.

-2 درزنگ های تفریح به اومسولیت( دربان)بدهیم تاخودش مانع رفتن سایردانش آموزان ازمدرسه شود.

-3 درصورت لزوم ارجاع به مشاور

-4 صحبت باخوددانش آموزونصیحت او

-5 ارتباط صمیمی ودوستانه آموزگاروسایرمعلمان بااو

-6 تعویض جای نشستن دانش آموز درنیمکت هابادانش اموزان دیگر

دلایل انتخاب راه حل

زهرا نیز مانند برخی از کودکان هنگام ورود به سال اول دبستان دچار مشکلاتی هم چون ناراحتی، بی قراری ، ترس از مدرسه و حتی بیزاری و تنفر از مدرسه شده است.ترس غیر منطقی زهرا از مدرسه به معنی امتناع از مدرسه رفتن و یکی از نشانه های اضطراب جدایی از والدین، خانه، خانواده و بخصوص مادر و یا شرایطی است که به آن وابسته شده است.

موانع ترس دانش اموزان مدرسه در پایه اول

-1اضطراب جدایی: معمولا مادران بچه هایی که دچار اضطراب جدایی هستند، شخصیتی افراطی، مضطرب، بیش از حد حمایت کننده، مردد، حساس و عاطفی هستند که اضطراب خود را با بیان افکار منفی و عمل خود به بچه ها منتقل می کنند

-2یادگیری: ترس ویا امتناع از مدرسه بیش از آن که علت شخصیتی و عاطفی داشته باشد ناشی از یادگیری است مادر یا پدری که در ارتباط با کودکان خود مفاهیم ویا نکته های منفی از مدرسه، تنبیه و توبیخ ها و تجارب ناخوشایند خود را از دوران تحصیل بیان می کنند و از آن ها می خواهند که مواظب رفتارهایشان باشند خواه ناخواه باعث ترس کودکشان از مدرسه می شوند.

-3وابستگی: اضطراب کودک گاهی به دلیل وابستگی به مادر محیط خانه،خانواده و یا هر تکیه گاه و پناه گاه دیگر است.معمولا مادران سعی در وابسته کردن کودک به خود دارند و به واکنش های عاطفی او نسبت به ترک ،پاسخ می دهند. بنا بر این برای پیشگیری از به وجود آمدن این مشکلات و یا برطرف کردن آن و نیز آماده کردن زهرا برای پذیرش شرایط جدید و مانوس شدن او با محیط دبستان موارد زیر را مد نظر قرار می دادیم.

راه حل ها

\* کم کردن وابستگی زهرا:

باید مادر زهرا سعی می کرد با استفاده از روش های مناسب ( مثل گذاشتن زهرا در خانه اقوام به مدت یکی دو ساعت در روز به صورت پراکنده یا بردن او به پارک و همراه کردن او با کودکان همسن و سال خودش) به تدریج وابستگی زهرا را به خود کم کند.

\* ایجاد آمادگی ذهنی در زهرا :

باید مادر زهرا سعی می کرد با شروع سال تحصیلی ذهن زهرا را نسبت به مدرسه، معلم آماده کند.به طوری که با تعریف و تمجید واقعی و منطبق برواقعیت از مدرسه و معلمان شور و اشتیاق مدرسه رفتن را درکودک ایجاد نماید. باید سعی می کرد به او اطمینان دهد معلمش مهربان است و او را حمایت خواهد کرد.

ایجاد انگیزه:

باید مادر زهرا سعی می کرد با علاقه و اشتیاق زیاد در باره آنچه که او در مدرسه خواهد آموخت مثل خواندن، نوشتن، حساب کردن، شمردن، نقاشی، ورزش کردن حرف بزند. با کتاب خواندن برای زهرا و هدیه دادن کتاب داستان به کودک علاقه او را به یادگیری خواندن و با سواد شدن افزایش دهید.

اجرای راهکارها

برای تشویق اوجوایز مختلفی که توسط مدرسه وحتی اولیا تهیه شده بودبه دانش آموزاهداشد.درزنگ های تفریح مسوولیت دربانی رابه اوسپردیم وهمچنین خودمن بااوصحبت کردم ؛بهانه های مختلفی می آورد،گاهی می گفت:» من ازمعلم خوشم نمی آید».«می خواهم جایم راعوض کنم.«درعمل به هیچ کدام ازاین هاراضی نمی شدوازجواب دادن طفره می رفت.حتی تهدید هم اثرنمی کرد. اودلیل آن راخستگی اوعنوان می کردند.وهمچنین نمی تواندبه بازی هایش برسد.

ارجاع زهرا به همراه مادرش به مشاوریکی دیگر از راه هایی بود که در این گزارش تخصصی انجام گرفت .طی دوجلسه مشاوره با این دانش آموز و مادرش که انجام شد.نتیجه ای قابل توجهی نگرفتیم.همه ی راهکارها را خود دانش آموز از قبل بلد بود.وهیچ کدام ازراه حل ها او را راضی نمی کرد.طی چندین جلسه دعوت اولیای دانش آموزبه مدرسه وهمچنین مراجعه به خانه آن ها(ازآن جایی که دختران دراین سن وابستگی عاطفی زیادی به مادردارند)

یکی دیگر از راهکار هایی که به کار بردم این بود که برای حل این مسأله، من که قبلا"رابطه دوستی خوبی با دانش آموز برقرارکرده بودم علت راازطریق مصاحبه بادانش آموز وکمک معاون آموزشگاه (باتوجه به رفتارپراسترسی که درکلاس داشت) دریافتم با دعوت ازمادر دانش آموزبه مدرسه وقول گرفتن ازاودرحضورفرزندش که دیگر بدون فرزندش در ساعاتی که زهرا در مدرسه است به جایی نرودحتی ایشان 2جلسه هم دردفترمدرسه نشست تاخیال فرزندش راحت شود. زهرا زنگ های تفریح اوبه دفترسرمی زد تاببیند که من هستیم یانه.

باکمک معاون آن جلسه به زهرا مسوولیت دربانی دادیم ومن هم دردفترمدرسه بودم وقراربودکه به اوبه دفترسربزندکه یادش رفت وازروزبه بعدبودکه اودیگردرکلاس درس حاضر می شد.البته به اولیا به خصوص به

مادرش توصیه کردیم که حتی الامکان نیم ساعت مانده به وقت تعطیلی مدرسه درخانه حاضرباشدودرخانه حرف از برنامه های خرید ودید و بازدید در زمانی که زهرا در مدرسه بوده نزنند.

ارزیابی بعد از اجرای راه حل

زهرا درطول یک ماه بعد از اجرای راهکارهای پیشنهادی، حضوردرکلاسش منظم بود.به گفته پدرومادرش دیگرکمتر بهانه می گرفت.حتی تنهایی ویا با دوستانش به مدرسه می آمد .معاون مدرسه هم ازرفتاروآرامش اودرکلاس ومدرسه رضایت داشت.

ارزشیابی تأثیراقدام جدید وتعیین اعتبارآن

آماده ساختن کودک برای زندگی درخارج ازمحیط خانوادگی،یکی ازبزرگترین وظایف اجتماعی5 پدرومادراست وکیفیت روابط خانوادگی،تأثیرعمیق وپایداری برتحول روانی کودکان برجامی گذارد.خانواده ای که ازتوان وامکانات لازم برخورداراست تاوظایف پدرومادریش رابه نحوی مطلوب وباموفقیت انجام دهد،درهریک ازاعضایش احساس ایمنی،وابستگی ورفاقت ایجادمی کند؛همچنین احساس داشتن هدف جهت،پیشرفت وارزش فردی رادرآنان به وجودمی آورد .

این امربرای کودک ازاهمیت خاصی برخورداراست؛زیراخانواده بین او ودنیای گسترده،درحکم سپر،صافی وپل عمل می کند.بنابراین،خانواده نقش منحصربه فردی درپی ریزی اساس سازگاری فردباجامعه ایفامی کند.قابلیت های پیوستگی،همکاری،خلاقیت اززندگی خانوادگی نشأت می گیرد(پرینگل،.(1389

چنین کودکی درمحیط خانواده به صورتی تربیت شده است که بیش ازحد،خودرابه مادرش وابسته می داند،به نحوی که کوچکترین عملی رابرای رفع نیازهای خودبه مادرش می سپارد(گنج جو،.(1368

بخش بزرگی ازرفتاربچه ها ناشی ازمشکلات خانوادگی است.بامشاهده این رفتارها(بدون اجازه کلاس راترک کردن)بایدبه چاره جویی پرداخت.وقتی به اومسوولیت می دهیم آنقدردرنقش جدیدش گرفتار می شودکه

رفتارهای گذشته رادیگربه انجام نمی رساندوهمچنین بایدبه جای تخریب اعتمادبه نفس،نقاط قوت اورا بزرگ ترجلوه دادوباایجادنزدیکی وصمیمیت،کاری کنیم تااحساس امنیت وآرامش نماید(کریمی.(1387

درسلسله نیازهای مثلث مازلو((1970 بعدازنیازهای فیزیولوژیک وایمنی،به مرحله نیازبه محبت وتعلق داشتن می رسیم که این دانش آموز(ا-ش)احساس می کردکه موردمحبت واقع نشده ،تعلق به خانواده نداردوخانواده درگشت وگذارها،خریدهاومهمانی ها اورامشارکت نمی دهدکه باعث این مشکل (مدرسه گریزی)شده بود.

از نظر تعریف اضطراب و هراس از مدرسه به ترس نامعقول و شدید نسبت به چیزی یا موقعیتی یا مکانی گفته می شود .از آنجایی که هراس و اضطراب بهم نزدیک هستند لذا هراس یا به زبان عامیانه ترس از مدرسه ، اختلال اضطراب مدرسه نیز گفته می شود.شدت اضطراب و ترس به حدی است که موجب اختلال فعالیت و زندگی فرد در آن زمینه خاص می شود.

در هراس از مدرسه کودک از رفتن به مدرسه اجتناب می کند یا در صورت اصرار در رفتن به مدرسه با اختلالات روانی و رفتاری یا جسمی همراه خواهد بود.اضطراب یا هراس از مدرسه را در واقع بایستی شکل شدیدتر خجالت دانست که در آن کودک شدیدا از تعامل و مواجهه و مورد توجه و ارزیابی قرار گرفتن توسط هم کلاسی ها و معلمین مضطرب و نگران است و می ترسد که کاری خجالت آور از او سر زند یا مورد تحقیر و سرزنش دیگران قرار گیرد . ترس از مدرسه را می توان پیش درآمد اضطراب جدایی دانست ( در واقع در صورت عدم اصلاح آن به اضطراب اجتماعی تبدیل خواهد شد).بایستی توجه داشت که مدرسه گریزی با امتناع و اجتناب از مدرسه رفتن متفاوت است زیرا در اولی کودک احساس چندانی در رفتن و نرفتن به مدرسه ندارد و کودک از مدرسه فرار می کند و معمولا از والدین خود نیز مخفی نگه می دارد و درگیر کارهای خلاف و ضد اجتماعی می شود.

مدرسه گریزی نوعی اختلال رفتاری بوده و معمولا در زمینه اختلافات و مشکلات جدی خانوادگی ، تجربیات بسیار بد و شدید و استعداد ژنتیکی بروز می کند و از طریق مجموع اصلاح عوامل زمینه خانوادگی ، رفتار درمانی و خانواده درمانی مورد اصلاح قرار می گیرد.در اضطراب یا هراس از مدرسه به دلیل پس زمینه های روانی کودک ، مدرسه جای شکست و عدم موفقیت و محل پیدا کردن احساس بد نسبت به خود است و هر درسی یا فعالیت گروهی فرصتی برای نشان دادن بی لیاقتی و کودنی آنها تصور می شود .هر سوال و جوابی برای کودک زمانی برای تحقیر به حساب می آید.

کودکان برای مقابله با اضطراب و ترس معمولا به طور نا خودآگاه دست به مکانیسم فرار یا انکار می زنند که برحسب شدت هراس و وسعت آن ، جزئیات و روش آنها متفاوت خواهد بود .برخی ممکن است فقط در مورد درس خاص غیبت کنند یا اصلا از رفتن به مدرسه اجتناب کنند.

به عنوان یک قاعده کلی در سیستم های آموزشی تربیتی در مدارس بایستی ترتیبی اتخاذ داده شود تا حد ممکن هیچ دانش آموزی زیر نور افکن تفتیش و سرزنش دیگران ( هم کلاسی ها و معلمان ) قرار نگیرد.

نمرات و تذکرات بایستی به طور خصوصی به دانش آموزان انتقال داده شوند و از هر اقدامی که موجب ایجاد احساس خجالت ، ناتوانی یا زیر سوال رفتن شخصیت کودک شود ، جدا خودداری شود .

هر نوع تنبیه فیزیکی یا بی احترامی و هتک حرمت ،جنایتی در حق کودک و جامعه است و معلمین جزء اولین افرادی باید باشند که با آن مقابله می کنند.

آنچه والدین باید بدانند

* قبل از هر کاری مدرسه یا مهدکودک مناسبی برای فرزندتان انتخاب کنید.
* برای بینایی و شنوایی سنجی و چکاپ فرزندتان به پزشک مراجعه کنید.

* رفتارهای مناسب برای محیط های آموزشی را به فرزندتان آموزش دهید و درباره آن با کودکان صحبت کنید.
* الگوی مناسبی برای فرزندتان باشید. خودتان مطالعه کنید و درباره تأثیر تحصیل و هدفمندی آن برای فرزندتان توضیح دهید.
* با اولیای مدرسه ارتباط مستمر و پویا داشته باشید
* مشکلات روانشناختی کودک مانند اضطراب، بیش فعالی و مشکلات یادگیری قبل از شروع سال تحصیلی را بشناسید و اگر با چنین مشکلات برخورد کردید هر چه زودتر برای رفع آن بکوشید. نگذارید این مشکلات کهنه شوند.
* اگر کودک موفقیتی کسب کردحتما او را تشویق کنید.

-کودک را مجبور نکنید که حتما شاگرد اول شود زیرا کمال گرایی والدین موجب افسردگی و کمبود اعتماد به نفس فرزند می شود.

- از تشویق های اغراق آمیز بپره یزید زیرا تشویق باید مبتنی بر واقعیت باشد.

والدین باید ترس دانش آموزان کلاس اولی را از مدرسه جدی بگیرند چون ممکن است علائم آن در بزرگسالی بازگردد.

وابستگی کلاس اولی ها به والدین و به خصوص مادر سبب میشود تا آنها در چند روز اول مدرسه با مشکلاتی مواجه شوند که باید در روزهای اول نسبت به حل این مشکل اقدام کرد.در مورد نوآموزانی که وابستگی آنها به مادر در حدی است که سبب ایجاد اختلال در نوآموز میشود، بی توجهی به این ترس میتواند مشکلات زیادی را برای او بوجود آورد.کودکان عمدتا علائمی مثل تهوع را از خود بروز میدهند و

مدام بهانه میگیرند که حالشان بد است و شکایتهای جسمانی دارند در حالی که از درون به اضطراب شدید دچار هستند.استفاده از روش حساسیت زدایی منظم بهترین راهکار برای مقابله با ترس کلاس اولی ها از مدرسه و دوری از والدین است.

در این روش والدین و بخصوص مادر در هفته اول هر روز با دانش آموز به مدرسه میرود، در هفته دوم دو روز در میان و در نهایت از این طریق حساسیت دانش آموز به نبود والدینش از بین میرود و مدرسه رفتن و دوری از والدین برای او عادی میشود.برای درمان ترس از مدرسه، باید علاوه بر روانشناس یا روانپزشک از اولیای مدرسه نیز کمک گرفت؛ همچنین مادر دقت داشته باشد که تسلیم بهانه های کودک نشود.از دعوا و تنبیه این دسته از کودکان بپرهیزند و جلوی مدرسه قاطعانه از کودک خداحافظی کرده و کودک را با اولیای مدرسه تنها بگذارند.ترس کلاس اولی ها باید جدی گرفته شود چون احتمال بازگشت آن در بزرگسالی وجود دارد.

اگر والدین کودک را در محیط مدرسه رها کنند اضطراب کودک بیشتر میشود پس باید با ملایمت، ملاطفت و نرمی با کودک ارتباط برقرارکرد و با حرف زدن با کودک به کاهش اضطرابش کمک کرد.اضطراب در برخی کودکان در آغاز سال تحصیلی طبیعی است به خصوص برای کودکانی که وارد دوره پیش دبستانی یا کلاس اول میشوند.این دسته از کودکان چون از محیط خانه وارد محیط دیگری میشوند.

با افراد جدید مواجهه میشوند و محیط جدیدی را تجربه میکنند و از سوی دیگر آزادی هایی را که در محیط خانه داشتند در مدرسه ندارند دچار اضطراب میشوند.کودکان در ورود به مدرسه در زمان استراحت، نوع تغذیه و زمان بازی خود دچار تغییر شده و طبیعی است که دچار اضطراب شوند.

مهمترین مساله در ورود کودکان به مدرسه جدا شدن از والدین به خصوص مادر است و چون کودک چند سال به طور طبیعی در کنار مادر بوده است جدا شدن از مادر برایش سخت است.البته اکثریت کودکان در

مدت کوتاهی با محیط جدید هماهنگ شده و میتوانند خود را سازگار کنند.این دسته از کودکان به زمان بیشتری برای آمادگی نیازمندند و بی توجهی به این مسئله برای خانواده ها و اولیای مدرسه مشکل آفرین خواهد شد.برای کم شدن اضطراب این دسته از کودکان باید از قبل با کودک صحبت کرد و محیط جدید را به طور عملی به او توضیح داد؛ بدین ترتیب که با هماهنگی اولیای مدرسه قبل از شروع رسمی مدرسه، کودک وارد محیط مدرسه شود کلاس، حیاط، سرویس بهداشتی، سالن غذاخوری و … را ببیند و با معلم و همکلاسی هایش آشنا شود.اگر این آشنایی در محیط غیردرسی و قبل از آغاز سال تحصیلی انجام گیرد در کاهش اضطراب کودک در زمان مدرسه مؤثر خواهد بود.

والدین باید برای کاهش اضطراب کودکان با هم همکاری داشته باشند و از اعمال هر گونه خشونت برای ورود یا ماندن کودک در مدرسه بپرهیزند.اگر والدین کودک را در محیط مدرسه رها کنند. اضطراب کودک بیشتر میشود. پس باید با ملایمت، ملاطفت، نرمی و برقراری ارتباط و حرف زدن با کودک به کاهش اضطراب کودک کمک کرد.از طرفی نباید اجازه داد که کودک در خانه بماند و به مدرسه نرود بلکه باید والدین حتی اگر لازم بود دقایقی در کنار کودک در مدرسه باقی بمانند و به تدریج محیط را ترک کنند تا کودک آمادگی لازم را پیدا کند.مدرسه و اولیای مدرسه نقش مهمی در جذب و آرامش کودک دارند و میتوانند کودک را با روشهای درست از حالت غریبه و بیگانه خارج کرده و در کاهش اضطراب و آشنایی کودک با محیط جدید مؤثر باشند.

پیشنهادات:

پیشنهاد می شود ابعاد مختلف وابستگی به والدین ، مدرسه گریزی وترس ازمدرسه در کودکان به صورت تحقیق میدانی بررسی شودتاباارائه ی راهکارواقدامات پیشگیرانه مانع ازاین امربشویم.

مدارس سعی نماینداز طریق ارتباط بیشتر با اولیا مشکلات مربوط به اختلالات رفتاری دانش آموزان راحل نمایند.

کودک شش هفت ساله چه ویژگی هایی دارد؟ در دنیای ذهنی او چه می گذرد؟ او دنیای پیرامون خود را چگونه تفسیر می کند؟ به عنوان آموزگار، ناظم، مدیر و سیاستگذار آموزشی، چقدر او را می شناسیم، و با او چگونه می خواهیم در محیط مدرسه و کلاس برخورد کنیم؟ ... و حال برای او که قرار است چند روز دیگر پا به مدرسه بگذارد چه برنامه ای داریم؟

این معصوم مشتاق متوهم، قرار است برای اولین بار از آغوش گرم و صمیمی خانواده، جدا شود و پا به جهانی ناشناخته و غریب به نام مدرسه بگذارد، جایی که در آن، از حضور مهربان پدر، مادر، مادربزرگ، پدر بزرگ، خواهر و برادر خبری نیست و ممکن است بغض غریبگی، دلتنگی و اضطراب، او را در این فضای ناآشنا به تنگ آورد.

بسیاری از این کودکان (اگر تهران و چند شهر بزرگ را ملاک قرار ندهیم) از پله تجربه های جمعی مانند مهد کودک، کودکستان، و پیش دبستان ها، عبور نکرده اند و اگر هم گذر کرده باشند، حضوری متعهد، مسئولانه و مکلف به انجام مشق و درس، نداشته اند، موضوعی که یکی از عوامل مهم دلهره و اضطراب آنهاست.

تصویر ذهنی او از مدرسه چیست؟ آدم های آن شبیه به چه کسانی هستند؟ پدر، مادر، دایی، عمو، مادر بزرگ مهربان ... یا بر پایه ی پیش داوری های منفی او، آدم هایی بد اخلاق، اخمو و ترسناک متصور می شوند؟ بدترین نوع ورود به این سرزمین وهم، این است که بی هیچ پیش زمینه مثبتی قدم به آن بگذارند.

ما خود چگونه در هفت سالگی پا به مدرسه گذاشتیم؟ از آن روز، چه تصوری در ذهن و خاطره خود داریم؟ آن روز بر ما چه گذشت؟ با ما چگونه رفتار کردند؟ این خاطره ها هرچه باشد، خوب یا بد، تا پایان عمر با ما همراه است، چرا که اولین تجربه ی اجتماعی ماست (پس از خانواده) و بخشی از شخصیت و روان ما را می سازد. از این منظر، بدترین خاطره های عمرم را از کلاس اول به یاد دارم و این خاطره های بد، چه بخواهم

و چه نخواهم، همچون محتویات یک کیسه زباله، بر شانه ی روحم حمل می شود و با همه کوشش و اراده ام، هرگز نتوانستم این کیسه را برای همیشه بر زمین بگذارم. روان شناسی هفت سالگی یا روان شناسی سازگاری با سال اول مدرسه، به چرایی این ناتوانی و ماندگاری خاطره های بد، پاسخ داده است. یک روز ناگوار و تلخ که هنوز وقتی به یاد می آورم قفسه سینه ام تنگ می شود. و چیزی شبیه به یک گلوله پارچه ای خشک و آغشته به خاک و خاکستر، راه گلویم را می بندد. لحظه هایی ناب که می توانست شیرین و خوش و دوست داشتنی باشد، روزهایی که می توانست و می تواند در تأمین سلامت روانی یک عمر انسان، تأثیر گذار و تعیین کننده باشد.

برای این که لحظه های تکرار نشدنی این پایه تحصیلی انسان ساز، برای همه ی هفت ساله های امروز و معماران جامعه ی فردا به درستی و شایستگی سپری شود، وزارت آموزش و پرورش برای تغییر وضعیت موجود باید بی درنگ برای تغییر کیفی سه حوزه ی -1 محیط و فضای آموزشی -2 نظام آموزشی -3 برنامه ریزی آموزشی دست به کار شود.

محیط و فضای آموزشی

- 1 نزدیک بودن فاصله خانه و مدرسه

برخی از پدر و مادرها به دلایل گوناگون، از جمله نام، شهرت، و گاه امکانات آموزشی بهتر یک مدرسه، فاصله خانه تا محل تحصیل فرزندشان را بسیار طولانی می کنند؛ به حدی که دانش آموز مجبور می شود، از سرویس های رفت و آمد استفاده کند. این گونه رفت و آمدها، بخصوص در شهرهای بزرگ ، به دلیل آلودگی های صوتی و تنفسی و ترافیک سنگین و حوادث و عوارض ناشی از آن، زیانش بسیار بیشتر از سودش است. کودک، وقتی در محله و محدوده ی زندگی خود به مدرسه برود، در کنار هم کلاسی هایی می نشیند که بسیارشان آشنا و همسایه او هستند و این پیوندهای همجواری و خویشاوندی، می تواند گسترش روابط عاطفی را نیز در پی داشته باشد. این چتر عاطفی، او را در فضای امن تری قرار می دهد. روان شناسان و جا

معه شناسان، بر توسعه ی فرهنگ و همگرایی و محله گرایی (لوکالیزم) در جامعه ماشین زده و آشفته مدرن، تاکید فراوان دارند.

-2 وسعت زمین، بنا و امکانات

وسعت زمین، بنا و امکان های آموزشی، ورزشی، فرهنگی و هنری نقش زیادی در رشد خلاقیت و سلامت جسمی و روانی دانش آموزان دارد بسیاری از مدارس ما فاقد ضوابط و استانداردهای پذیرفته شده ی بین المللی است.

فقدان این امکان ها، محیط های آموزشی را کسل کننده و کودک را آسیب پذیر می کند. اگر قرار باشد کودک از آپارتمان کوچک به نام خانه به یک آپارتمان بزرگتری به نام مدرسه برود، ستمی است که می تواند خسارت های روحی، روانی و آموزش جبران ناپذیری بر او در پی داشته باشد. آموزش و پرورش وظیفه دارد واحدهای آموزشی را موظف به ایجاد چنین فضاهایی بکند و درصدور مجوز تأسیس و فعالیت واحدهای آموزشی، رعایت حداقل استانداردها را در نظر بگیرد. آموزش و پرورش نباید به واحدهای آموزشی فاقد حیاط و فضای نامناسب، اجازه فعالیت بدهد. مسئولیت هرگونه خسارت روحی و روانی به دانش آموزان بی دفاع، به عهده ی این وزارت است.

-3 رعایت آزادی های فردی

اجازه بدهیم دانش آموزان دختر، دست کم در پایه اول ابتدایی، در استفاده از روسری، آزادی عمل داشته باشند، بخصوص اگر آن ها بتوانند در فضاهای آفتابگیر مدرسه، دقایقی را زیر آفتاب بگذرانند و بازی کنند، که این عمل، هم برای جذب و ساخت ویتامین D و جلوگیری از بیماری های استخوانی و مفصلی در آنان (که بسیار هم شایع است) مفید است و هم در ایجاد تنوع رنگ و زیبایی محیط که از نیازهای روحی این دوره سنی است. اسلام، سن تکلیف به حجاب را 9 سالگی تعیین کرده، بهتر است تفسیرها و سلیقه های شخصی خودمان را به کوکان هفت ساله تحمیل نکنیم که این تحمیل چه بسا باعث تأثیرات منفی نسبت به

این باور مذهبی در مناطق گرمسیری در گرمای بهار می شوداصولا. هرگونه محدودیت و سلب آزادی، می تواند عرصه را بر این موجود کم حوصله و شکننده، تنگ کند و از علاقه او به مدرسه بکاهد.

اگر قرار بود دخترها از هفت سالگی در حجاب روند یا به تعبیر برخی سخت گیران و متعصبان، به پیشباز حجاب بروند یا به آن عادت کنند، بی تردید، پیامبر اسلام به این امر آگاهی داشت و در این صورت 7 سالگی را سرآغاز تکلیف به شرع و پوشش موی سر قرار می داد.

-4 ایجاد تعلق خاطر به مدرسه و اجزاء آن و پرورش حس خویشاوندی

ایجاد دلبستگی و تلعق خاطر به مدرسه، هم کلاسی ها، آموزگاران و دیگر کارکنان مدرسه، نقشی بسیار، در آرامش روحی و روانی کودک، در روزهای آغازین و به طور کلی پایه اول تحصیلی دوره ی ابتدایی دارد. این تعلق خاطر را، پیش از مدرسه، خانواده باید ایجاد کند. کودک باید محلی را که قرار است به مدت پنج سال در آن زندگی کند به عنوان خانه دوم خود بپذیرد و به همه ی اجزایش علاقه مند شود و خاطره هایی خوب از آن در ذهن خود، ذخیره کند.

پیش از آغاز سال تحصیلی، بزرگترها بهتر است خاطره های خوب خود را از مدرسه برای کودکان بازگویند. بازگو کردن خاطره های بد آنان را ناخواسته دچار پیش داوری منفی نسبت به مکانی می کند که قرار است خانه دوم آن ها باشد.

جشن شکوفه ها، که چند سالی است برگزار می شود، اگر به درستی و با مدیری مناسب و در سرتاسر ایران، شهر و روستا، بدون تبعیض برگزار شود، می تواند در کاهش تنش های روحی و روانی و کمرنگ کردن پیش داوری های منفی موثر باشد. اجرای تئاتر، موسیقی و قصه گویی در محل مدرسه، در جشن شکوفه ها، می تواند گام اول در تقویت حس همگرایی باشد. زیرا در اولین ماه سال تحصیلی کلاس اولی ها، باید بیش از هر چیز به نیازهای عاطفی و روحی بچه ها پاسخ داده شود.

برای دور کردن حس غریبگی، بچه ها می توانند در فرصت های طراحی شده، با همکلاسی های آینده خود، قبل از بازگشایی مدرسه، آشنایی و دوستی برقرار کنند. در روستاها و شهرهای خیلی کوچک، این آشنایی و شناخت، به طور طبیعی وجود دارد، اما در شهرهای بزرگ، کمتر چنین روابطی شکل می گیرد. تمهیدهایی از این دست، هم توسط خانواده می تواند انجام بگیرد، هم مدرسه، که البته این کوشش های آگاهانه، به کمی حوصله نیاز دارد که ما این روزها کمتر در بزرگترها شاهد آن هستیم.

یک اردوی یک روزه، به همراه خانواده و معلم، می تواند این هم خویشی را به وجود بیاورد. زیرا تولید حس خویشاوندی، زمینه ساز همزیستی بهتر در واحدهای اجتماعی است.

اگر مدرسه از فضاهای ورزشی مناسب برخوردار است، بد نیست دانش آموزان پایه اول، یک هفت قبل از بازگشایی، یکی دوبار در این مکان ها در کنار هم بازی کنند. و اگر هم از امکانات ورزشی برخوردار نیستند، بازی های نمایشی هم می تواند فرصتی برای آنان فراهم کند. تا طعم مشارکت و فعالیت جمعی را در کنار هم تجربه کنند.

-5 نیاز واقعی به دستشویی یا مفری برای غلبه فشارهای روحی

شاید طرح این موضوع برای کسانی که با فضاهای آموزش و نیازهای جسمی و روحی کودکان شش هفت ساله آشنایی کافی ندارند، کمی مضحک و ابتدایی به نظر برسد، ولی واقعیتی است انکار ناپذیر که در مدارس ما، یکی از عوامل مهم اضطراب در اولی ها، سرویس های بهداشتی و جوانب مربوط به آن است.

بچه ها به دلیل اضطراب های ناشناخته ای که دارند. روزهای اول نیاز بیشتری به دستشویی و سرویس بهداشتی از خودشان نشان می دهند که گرچه ممکن است نیازهای واقعی نباشد، اما مفری است برای تخلیه فشارهای روحی و ضمن این که ممکن است واقعا هم دچار تکرر ادرار بشوند. کمبود با ناکافی بودن تعداد سرویس های بهداشتی نسبت به دانش آموزان یک مدرسه و ازدحام ناشی از آن در زنگ تفریح، می تواند

تنش های درونی، او را شدت بخشد. لذا آموزگاران پایه اول باید به این نکته توجه کافی نشان دهند و وضعیت مناسب را برای این گروه از کودکان فراهم کنند.

دانش آموزان سال اول با اجزا و واحدهای درونی مدرسه، آشنایی ندارد و همین نبود آگاهی به ساختمان، آدم ها و دیگر اجزای مدرسه، ممکن است بر حس غربت و غریبگی او بیفزاید. پس می توان با استفاده از یک شخصیت عروسکی و با زبانی صمیمی و مهربان، به عنوان راهنما بچه ها را با کلاس و مدرسه ای که قرار است ساعت هایی از روز خود را در آن زندگی کند، آشنا کنیم. آشنایی با محل سرویس های بهداشتی، آبخوری، دفتر، مکان های ورزشی، کتابخانه و آزمایشگاه (انشاء االله اگر وجود داشته باشد) باید پیش از آغاز سال تحصیلی انجام بگیرد.

نظام آموزشی

- 1 از آنجا که بخش قابل توجهی از ساختار روانی و شخصیت فردی و اجتماعی انسان، در کلاس اول ابتدایی شکل می گیرد. باید در انتخاب آموزگاران پایه اول، حساسیت و دقت بیشتری به خرج داده شود و حتی بهتر است این حساسیت ها و ویژگی ها قانونمند شود. در شرایط کنونی در بسیاری از مدارس ما، معلم کلاس اول با نظر و سلیقه مدیر انتخاب می شود و مکمن است آموزگار منتخب این پایه تحصیلی، خود هیچ اراده ای در تعیین پایه تدریس خود نداشته باشد.

در بسیاری از کشورهای توسعه یافته پایه ی اول ابتدایی از جایگاه ویژه ای برخوردار است. در این کشورها، اداره کلاس اول فقط به کسانی سپرده می شود که در دانشسراها تربیت معلم تحصیل کرده باشند و گرایش تحصیلی آن ها، تدریس در پایه اول ابتدایی باشد.

در آموزش و پرورش ما، در یکی دو دهه ی گذشته، متأسفانه نقش این دانشسراها در تربیت آموزگاران متخصص بسیار کمرنگ شده است و بیشتر آموزگاران پایه اول، نه تحصیل و تخصصی در تدریس کلاس اول

دارند و نه از تجربه کافی برای تدریس در این پایه تحصیلی برخوردارند. بدا به حال دانش آموز، اگر آموزگار او در این پایه تحصیلی آدمی کم حوصله، کم تجربه، و فاقد مهارت باشد.

روان شناسی هفت سالگی بر این باور است که آموزگار پایه اول باید صبور، با گذشت، مهربان، با تجربه، جستجوگر و فروتن باشد و از خود رفتاری نامدبرانه به نمایش نگذارد. او باید با روان شناسی، خصوصیات فردی و نیازهای شاگردان خود آشنایی کافی داشته باشد.

-2 آموزگار پایه اول ابتدایی باید برای هر یک از شاگردان خود به طور جدی پرونده ای از روحیات، رفتارها، خانواده ها و ویژگی های فردی او داشته باشد و بر اساس این ویژگی ها، ارتباطات عاطفی و آموزشی اش را با او تنظیم کند. این پرونده ها نباید در دسترس دانش آموز و هر آن کس که محروم نیست قرار گیرد.

انتقال این پرونده ها به معلم کلاس دوم می تواند به او نیز در تنظیم روابطش با دانش آموز کمک کند. شرکت در بازی ها، بخصوص، بازی های نمایشی با شاگردان نقش زیادی در کوتاه کردن فاصله میان او و شاگردان دارد. بسنده کردن صرف به آموزش رسمی ممکن است فرصت کافی برای بروز خلاقیت های بالقوه دانش آموزان را فراهم نکند. از این روی تحقیق و مطالعات فردی آموزگار می تواند دریچه چشم اندازهای جدیدی را در فرا روی او بگشاید.

-3 معلم کلاس اول حتما باید از میان خانم های آموزگار انتخاب شود. از آنجا که دور شدن از مادر، یکی از عوامل اضطراب کودک است، خانم آموزگار می تواند جایگزین مناسبی برای مدرسه باشد.

نقاط قوت :

همکاری همه عوامل مدرسه در حل این مشکل از نقاط قوت این طرح بود .

نتیجه گیری وگزارش نهایی:

درمشکل موردبحث ماوقتی مشکل ریشه یابی شد وباقولی که ازمادرش گرفتیم برای حضوردرخانه واستقبال ازفرزندش هنگام برگشتن ازمدرسه ،ودادن مسولیت به دانش آموزوبرجسته کردن نقاط قوت دانش آموز،مشکل اوحل شدوبعدازآن باآرامش بیشتری درسرکلاس حاضرمی شد.

نکته ای که بایداشاره کرداین که تغییردررفتاریک فردبه پروسه ی زمانی طولانی تری نیازمنداست ونبایدعجله وشتاب نمود.

راهکارهایی برای حل مشکل مشابه درخانواده ها

-1پدرومادرهابایدسعی کنندکودکان خودرامستقل به بارآورند.کودکی که همه ی امکانات زندگی به صورتی سهل وساده دراختیارش گذاشته می شود،نخواهدتوانست خودرابامحیطی سازگارکندکه هرکس ازحقوقی مساوی سهم می برد.

-2اعمال ورفتارپدرومادربایدبه نحوی باشدکه کودک آمادگی پذیرش محیط های جدیدوسازش باآنها راداشته باشد.

-3یاری ومساعدت والدین به کودک،بایدبه نحوی غیرمستقیم انجام بگیردوکودک خودراعاملی بالقوه وبالفعل دربرابرسدمشکلات ببیند.

-4بابرخورد صحیح ومشخص به کودک بقبولانیم که روابط مابااوهمیشه عادلانه ومنصفانه خواهدبود(گنج جو،.(1368

فهرست منابع

-1پرینگل،میاکلمر((1386،نیازهای کودکان،ترجمه نیره ایجادی وجوادشافعی مقدم،تهران،رشد

-2خوش کام،سیمین((1381،ترس ازمدرسه،مجله تربیت،شماره281،صفحه48 -2طالعی،سهیلا((1387، مدرسه گریزی در کودکان را جدی بگیریم، -3کریمی،رامین((1387،آنچه هرمعلمی بایدبداند،تهران،نشربهارسبز

-4گنج جو،بهروز((1368،»فوبیای مدرسه«ترس ومدرسه گریزی کودکان،نشریه اطلاعات،شماره124،صفحه